

پناهندگی خمینی در رابطه با شورش ۵۷

سه نکته تحقیقی بسیار مهم

امیر فیض - حقوقدان

یکی ازوظائف نانوشته ما تحصیل و جمع آوری دلایل بر عدم مشروعیت جمهوری اسلامی و حقانیت تداوم رژیم سلطنتی ایران است، که بطور طبیعی کم و بیش در جریان آن قرار داریم زیرا برای ما باوریم که پاسداری از حق مشروعیت مبارزه اهم از تکالیف اصلی مبارزین است.

مشروعیت مبارزه ماسلنت طلبان ناشی از حقانیت رژیم سلطنت مشروطه ایران است که بموجب قانون اساسی و متمم آن جاری و ساری بوده است، و این مشروعیت در نتیجه مداخله قوه خارجی که دفع آن خارج از حیطه اقتدار حکومت قانونی ایران بوده از فعلیت متوقف و بصورت حق باقی مانده است، و اکنون مبارزین تلاش دارند که این حق را از قوه به فعل در آورند.

با تفسیر کوتاهی که از مشروعیت مبارزه سلطنت طلبان بعمل آمد می بینیم که اساس و پایه مشروعیت مبارزه سلطنت طلبان ارائه دلیل و قرائن بر اثبات هر چه بیشتر و محکمتر دخالت خارجی در مسائل داخلی ایران با هدف جایگزینی جمهوری اسلامی بجای رژیم برحق سلطنت مشروطه است.

واما بعد

بااطمینان میتوان گفت که در تاریخ مبارزه ایرانیان برون مرزی سه مصاحبه با دستاوردهای همراه بوده که بارزترین دلیل و گواه بر عدم مشروعیت شورش ۵۷ و در نهایت جمهوری اسلامی است.

این سه مصاحبه و دستاوردهای آنها عبارتست از:

مصاحبه با الکساندر هیگ

اول - مصاحبه ایران یارگرمی آقای فرهاد منصوریان، با الکساندر هیگ است که در سال ۱۳۶۳ بوسیله تلفن انجام روی نوار ضبط شد (الکساندر هیگ فرمانده ناتو و بعدا وزیر خارجه آمریکا).

نوار گفتگوی مزبور که بوسیله آقای فرهاد منصوریان برای سنگر ارسال شد در سنگر همان سال هم بطور مشروح و کامل پیاده شد و بمناسبت ارزش و اعتباری که در راستای مبارزه داشت در همان سنگر اعلام گردید که برای متقاضیان نسخه ای از کاست فرستاده میشود که بنابر آمار سنگر حدود ۱۵۰ کاست پخش گردید.

ارزش این مصاحبه به اعتبار شخصیت الکساندر هیگ و اینکه ژنرال هاووزر افسر زیر دست او بوده بسیار، بسیار است و جمله معروف از آن مصاحبه که به کرات مورد استناد سنگر قرار گرفته این است:

«ما در ایران توانستیم نیروهای چپ را متحد کنیم و از آنها بخواهیم که بامخالفت بامقامات مسنول مملکتی خواهان تحولات سریع تری بشوند و این در حالی بود که نیروهای راست از تحولات انجام شده

هنوز گنج بودند و به این ترتیب ایران رابه گورستان تاریخ فرستادیم و یکی از مهمترین و بااعتماد ترین دوستانمان رایعنی شاه ایران را از قدرت انداختیم»

مصاحبه باژنرال هایزر

دوم - مصاحبه رادیو ان بی سی در تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۸۷ باژنرال هایزر است که آقای فرهاد منصوریان با هایزر گفتگو و پرسش داشت و جمله معروف و مستند و پرمعناى آن عبارت زیر است:

«تازمانی که یک کشور در مسیر اهداف ماکارمیکند مانباید در امور داخلی آن کشور دخالت کنیم. من اعتقاد دارم که ماهمه گونه حقی داریم که در امور داخلی کشورها دخالت کنیم همانطور که میدانید ما از بابت منابع طبیعی خودکفا نیستیم و در تمام دنیابه مواد خام نیاز داریم بنابراین نمیتوانیم دریک گوشه دنیابنشینیم و در لاک خود فروبرویم در بعضی جاها شاید ممکن نباشد که کاملا و مستقیما در امور داخلی آنجا دخالت کنیم و در آن موقع سعی میکنیم که با اعمال نفوذ نتیجه را به نفع خودمان برگردانیم و یک اقتصاد قوی داشته باشیم»

مصاحبه مزبور مفصل و حاوی سوالات بسیار بجا و پخته ای است که واقعا یکی از اسناد معتبر دخالت آمریکا در شورش ۵۷ و خاصه بی خاصیت ساختن ارتش است؛ مشروح این مصاحبه در سنگر شماره ۳۱۷ درج شده است.

مصاحبه باژیسکار دستن

سوم - مصاحبه با آقای ژیسکار دستن رئیس جمهور فرانسه که مورد بحث این تحریر است در سال ۱۳۷۷ بوسیله ایران یارگرمی آقای پرویز شهنواز انجام شده است که واجد نکته های بسیار مهم است خاصه که ژیسکار دستن یکی از سران کشورهایى بوده که در اجلاس گوادلپ حضور داشته است. مشروح این مصاحبه و کوششهایی که بوسیله آقای شهنواز بعمل آمده تا امکان این گفتگو فراهم شود در سنگر ۱۵ بهمن ماه سال ۱۳۷۷ درج است. و اکنون این تحریر در مسیر پناهندگی خمینی به دولت فرانسه که بقای ژیسکار دستن اعلام کننده آن است قرار دارد.

آقای ژیسکار دستن در مقابل سوال آقای شهنواز گفت: «آقای خمینی در بدو ورود به پاریس از ما خواستند که به ایشان پناهندگی سیاسی بدهیم که در مدت اقامتشان در فرانسه تامین باشند من (ژیسکار دستن با شاه ایران تماس گرفتم شاه گفتند خواهش میکنم از آقای خمینی نگهداری شود و از نظرامنیت جانشان مسائل امنیتی رعایت شود برای اینکه اگر مشکلی برای ایشان در فرانسه پیش بیاید به اغتشاش و آشوب در ایران می انجامد و مشکلات مابیشتر خواهد شد و من ترانمی بخشم»

پناهندگی خمینی به فرانسه (کشور کفر)

شهادت و اظهارات رئیس جمهور وقت فرانسه دائر به درخواست پناهندگی از طرف خمینی که همراه باکسب موافقت شاهنشاه ایران بوده نشان میدهد که درخواست پناهندگی از جانب خمینی امری غیر مترقبه و به درخواست او انجام شده است؛ دلانلی که شهادت آقای ژیسکار دستن را از اصالت جامع و کامل برخوردار میسازد، این است که:

شخصیت و مقام شاهد در حدی است که اجازه نمیدهد برای اصالت و اعتبار آن به دلایل دیگری تمسک جست در کشور آزادی مانند فرانسه رئیس جمهور نمیتواند موضوعی را خلاف واقع اعلام کند معهدا:

۱- چون در هیچ کجا اشاره ای به ویزای ورود فرانسه برای خمینی نشده لذا ورود به کشور خارجی بدون ویزا فقط میتواند بادرخواست پناهندگی ممکن گردد لا غیر.

۲- شهادت تیمسار فرزین رئیس یکی از ادارات سازمان امنیت ایران است که در کتابش نوشته است:

«دونوبت باکنت دومارانش رئیس سازمان اطلاعات خارجی فرانسه در رابطه با پناهندگی روح الله خمینی مذاکره داشتم او گفت؛ <شاه نظرداد به خمینی پناهندگی بدهید زیرا شما بهتر از دیگران میتوانید اورا کنترل کنید که از حال عادی خارج نشود به این ترتیب با آنکه خمینی میخواست اسناد پناهندگی اورا دیگران پرکنند به اوتفهم شد که قانون میگوید باید متقاضی، شخصا تقاضا بپرکنند که این امر توسط رابطی دکتریزدی و قطب زاده انجام شد و به او پناهندگی سیاسی داده شد< فرزین نوشته است؛ <از کنت دومارانش پرسیدم که چرا در کتاب خود به این امر اشاره نکرده گفت باید با تانید مسئولان مربوطه انجام میشد و سازمان های ذینفع و وزارت خارجه و پلیس فرانسه بمن جواب مستند ندادند ولی اطلاع پیدا کردم که تقاضای او جز اسناد طبقه بندی شده در آمده و تا زمانی که طبقه بندی زمانی آن پایان نیابد کسی بدان دسترسی نخواهد داشت بنابراین صلاح نبود که برای خودم مشکل ایجاد کنم<

۳- جمهوری اسلامی و حتی افراد همراه خمینی هیچگاه مسئله پناهندگی خمینی رابه فرانسه تکذیب نکردند حتی جمهوری اسلامی بعد از آنکه روزنامه طوس در تهران متن مصاحبه ژیسکار دستن در مورد درخواست پناهندگی خمینی را از فرانسه نوشت؛ وزارت اطلاعات روزنامه طوس رابه اتهام توهین به خمینی توقیف کرد نه اتهام درج خلاف واقع و نشر اکاذیب و جالب اینکه بدون محاکمه مدیر روزنامه طوس، از آن روزنامه رفع ممنوعیت انتشار گردید.

دلیل دیگر

اینکه بنا بر اظهار کنت دومارانش، درخواست پناهندگی سیاسی خمینی که به امضا اورسیده جزء اسناد سری و طبقه بندی شده است، بنا بر شهادت مزبور، سند کتبی درخواست پناهندگی خمینی موجود است ولی روابط سیاسی و منافع فرانسه اجازه انتشار آنرا نمیدهد.

حکم اسلام در مورد پناهندگی مسلمان به کار

اینکه روح الله خمینی از طریق پناهندگی در فرانسه اقامت داشته تردیدی نیست لذا بجاست که آثار درخواست پناهندگی او از کشور فرانسه که یک کشور کفرست مورد بررسی و ارزیابی در جریان شورش و در ماهیت ایجاد جمهوری اسلامی قرار گیرد.

تقاضای پناهندگی مسلمان از کافر، خروج از اسلام است

درفرهن وسنت محمد وتفاسیرقرآنی وحتى فقه اسلامی (تسنن وتشیع) آیات متعدد وسننی بسیار است در پناهنده شدن یک کافر به مسلمان ویا حکومت اسلامی ولی بهیچوجه وتحت هیچ شرائطی اسلام اجازه پناهندگی مسلمان ر ابه کافر نداده است.

به حکم آیات قرآن، مسلمان نمیتواند با کفار دوستی کند تاچه رسد که درخواست پناهندگی نماید (آیه اول سوریه المتحنه وآیه ۶۲ سوره مانده درآیه ۲۳ سوره توبه یک مسلمان حتی ازدوستی باپدرومادرش اگر غیرمسلمان باشد منع شده است، درآیه ۵۶ سوره مانده، مسلمانی که یهود و نصار را دوست بدارد کافر شناخته شده است.)

درآیات مکررقرآن برمسلمانان تکلیف شده که باکفار بجنگند. حکم یک مسلمانی که بجای جنگ با کفار به کفار پناهنده شود ارتداد ازاسلام است، مستند این قول آیات ۵۱ و ۵۲ سوره مانده است <کسی که طبق قانون خدا عمل نکند ازتابعیت اسلام خارج است>

مرتضی مطهری درکتاب ۱۰ گفتارخود فصل مشروعی به تفسیر آیات بالا اختصاص داده ونوشته است <اسلام نمی پذیرد که یک مسلمان زیردست یک کافر باشد وکافران براوسیطره داشته باشند، اسلام نمی پسندد که مسلمان همینکه بیماری سختی پیدا کرد وخودش طیبیب حاذقی نداشته باشد بیمار را بدوش کشیده وبه سوی ملتهای غیرمسلمان ببرد (یعنی برای درمان به کفارپناه ببرد)

آیه ۱۹۹ سوره اعراف صریح است براینکه <اگرازجای درآورد ترا شیطان پس پناه ببر برخدا> (نه به کشورفرانسه)

آیا میتوان عمل خمینی راتقیه تلقی کرد؟

آیا میتوان پناهندگی خمینی رابه کشورکفرفرانسه ازباب تقیه گرفت؟ خیر.

زیرا اولاً خمینی دررساله اش تقیه رامحکوم کرده است ثانیاً تقیه درموردی است که راه دیگری برای تقیه کننده وجود نداشته باشد خمینی میتوانست به یک کشورمسلمان وارد و تقاضای پناهندگی کند. اصلاً میتوانست درپناه خدا به ایران وارد شود ویا درعراق بماند و امساک درفعالیت کند، آیا پناه بردن به یک کشورکفروخارج شدن ازتابعیت اسلام مهمتربود ویانپناه بردن به خدا وحفظ قانون خدا؟ اساساً مخالفت با شاهنشاه مسلمان درحدی بود که او یعنی خمینی از اسلام خارج ودررده ارتداد قرارگیرد؟

بنابرحکم اسلامی وقرآن اگر یک مسلمان به کافری پناهنده شود از اسلام خارج ودرردیف کفاراست آیا چنین شخصی صلاحیت دارد که خود رارهبمسلمانان ایران وجهان بداند؟

لازم نیست که سند امضاشده پناهندگی خمینی ارائه شود تا حکم ارتداد وسلب تابعیت اسلامی از او صادر شود کار خدا واسلام امضا دادنی نیست همان قصد پناهندگی به فرانسه امام متقلب را در ردیف کفارقرار داده است.

این تحریرقاصراست که آثار پناهندگی خمینی به فرانسه را در رابطه باشورش ۵۷ وبقول خمینی انقلاب اسلامی تشریح کند؛ **کوچکترین اثرآن این است که مردم ایران بدنبال دجالی افتادند که**

نمیدانستند که او بنا بر عمل خودش از اسلام خارج است؛ و نمیتواند رهبر مسلمانان که هیچ حتی جاروکش خانه یک مسلمان هم بشود.

عقیده راسخ و استوار این است که اگر خروج خمینی از اسلام به مناسبت پناهندگی او به فرانسه مطرح میشد محال و ممتنع بود که او حتی بتواند به ایران بازگشت کند، مراجع تقلید رقیب او زیر بار اجتهاد او نمیرفتند و مسلمانان جهان واکنش های سخت نشان میدادند.

موقعی که خمینی فتوای قتل سلمان رشدی را داد انگلستان که برنامه ریز فتوای مزبور بود بخوبی آگاه بود که خمینی با قبول پناهندگی فرانسه از اسلام خارج است و مجتهد مرتد و خارج از اسلام نمیتواند فتوای قتل بدهد بلکه مجتهد های دیگر باید فتوای قتل او را بدهند ولی دولت انگلستان برای ایجاد قدرت مجازی برای تشیع و عوامل سابقه دار خودش به اصالت و قدرت اجرائی آن تسلیم شد و از راه سیاسی و خواهش و تمنا عدم اجرای فتوا را درخواست کرد.

کشورهای فرانسه و آلمان و آمریکا و انگلستان دقیقاً از موقعیت خمینی در رابطه با پناهندگی او و قانون اسلام آگاه بودند ولی آنرا فاش نکردند و این بزرگترین کمک و حمایتی بود که از شورش ۵۷ بوسیله خارجیان بعمل آمد، این حمایت در مقابل بیطرفی ارتش و یا دسیسه های خروج شاه از کشور بسان دریا و قطره است، حفظ این راز بزرگ از سوی بیگانگان سرمایه اصلی و حقیقی حرکت شورش ۷۵ بود چراکه نشان میداد اسلام گفتن های آن پیرمرد چیزی جز دروغ نیست و او کسی است که برای تسکین حالت انتقامی خود حتی اسلام را هم فدا کرده است.

کشورهای مسلمان جهان که از فعالیت های خمینی مشکوک و نگران بودند کافی بود که از راز پناهندگی او به کشور کفر آگاه میشدند؛ سکه یک پولش میکردند؛ مگر میشود کسی که به کفر پناه آورده پرچمدار انقلاب اسلامی آنهم علیه پادشاه مسلمان ایران اسلامی بشود؟

می بینید که ۱۸ سال بعد از شورش ۵۷ که آنها از آسیاب ریخته و جمهوری اسلامی بصورت یک نظام معرفی شده جریان ارتداد و خروج خمینی از تابعیت اسلام مطرح شد که کار از کار گذشته است.

سوال اینجاست که آیا سازمان اطلاعات ایران نمیدانسته که خمینی پناهندگی فرانسه را اخذ کرده است؟ یعنی تا این حد از جریان کنار بوده؟ باور کردند دشوار است. آیا اتاشه نظامی ایران سرهنگ عقیلی پور هم نمیدانسته که خمینی پناهنده فرانسه است عقیلی پوری که از همان زمان تابه امروز با دستگاه های اطلاعاتی فرانسه و غرب محشور است.

پناهندگی خمینی به کشور فرانسه جرقه ای بود که اگر زده میشد خمینی و شورش او همانند یک بشکه باروت منفجر میگردد؛ خمینی مدعی بود که هر جنایتی که کرد مشروعیتش را از اسلام گرفته بود اسلام که مشروعیتی برای عمل کسی که به کفر پناهنده شده قائل نیست، انتخاب بازرگان بعنوان نخست وزیر و فرمان های قتل و مصادره اموال همه و همه به اعتبار فقدان تابعیت اسلامی خمینی عمل یک فرد مرتد و منحرف از اسلامی شناخته میشود.

آنچه در راستای پوشش پناهندگی خمینی در شورش ۵۷ جریان یافت یک اغوای سیاسی و دینی است یعنی کسی که تابعیت اسلام را از دست داده و مرتد است در لباس یک رهبر مذهبی معتقد به اسلام و احکام آن خود را جلوه داده است؛ درست مانند پیامبران و امامان قلابی.

سه شنبه، ۱۶/۰۴/۲۰۱۳ برگ ۶ پناهندگی خمینی در رابطه با شورش ۵۷- سه نکته تحقیقی بسیار مهم- امیر فیض- حقوقدان
مگرمیشود در جامعه تشیع ایران یک آخوند مرتد از تابعیت اسلام خارج شده در مقام امام امت
قرار گیرد؟

افشای این راز ممکن است از نظر حقوق بین الملل آن تاثیری که باید نداشته باشد ولی از نظر حقوق
سیاسی داخلی و بیشتر حقوق اسلامی کوچکترین مشروعیتی برای جمهوری اسلامی بوجود نمیآورد.

کسر لیاقت و هوشیاری

دیدید که آخوند ها از نامه رشیدی مطلق چگونه استفاده کردند ولی ما نه تنها در افشای راز کوششی
نکردیم بلکه زمانی هم که مسئله بوسیله ژیسکار دستن فاش شد، سنگ مراتب رابه کیهان
لندن رادیو صدای ایران و روزنامه صبح ایران اطلاع داد ولی حضرات کوچکترین اقدامی
در فراگیر شدن این مسئله نکردند.